

بررسی نظریه‌های انگیزش تحصیلی و عوامل مرتبط با مهارت در مطالعه

مرضیه حبیبی*

چکیده

هدف از این پژوهش بررسی نظریه‌های انگیزش تحصیلی و عوامل مرتبط با مهارت در مطالعه می‌باشد. روش پژوهش از نوع مطالعه مروری می‌باشد که خلاصه‌ای از پیشینه موجود در حوزه مورد مطالعه را به همراه نتیجه‌گیری از آن‌ها ارائه داده است. یافته‌های این پژوهش نشان داد که انگیزش بیرونی و درونی می‌تواند بر مهارت در مطالعه مؤثر باشد و همچنین نظریه‌های انگیزش تحصیلی می‌تواند راهبرد خوبی برای ارائه یک مدل جامع برای تقویت مهارت در مطالعه باشد. نتایج این پژوهش نشان داده است که با توجه به محدود بودن پژوهش‌ها در مورد ارائه مدل‌های جدید بر پایه نظریه‌ها در تقویت مهارت‌های مطالعه و با توجه به اهمیت بررسی‌های نظریه‌های انگیزش تحصیلی برای ارائه مدل در این حوزه می‌توان گفت نیازمند توسعه پژوهش‌ها در جهت تقویت مهارت‌های مطالعه و در نتیجه پیشرفت تحصیلی در فراگیران خواهیم بود.

کلمات کلیدی: نظریه‌های انگیزش تحصیلی، مهارت در مطالعه، پیشرفت تحصیلی.

مقدمه

انگیزش در آموزش و پرورش و نقش آن در پیشرفت تحصیلی از دیرباز مورد توجه متخصصان بوده است. امروزه ایجاد انگیزه به عنوان عامل ایجاد حرکت در دانش آموزان و دانشجویان و جهت دهنده به فعالیت های تحصیلی و شغلی آینده آنها بیش از پیش مورد توجه می باشد. روان شناسان ضرورت توجه به انگیزش در تعلیم و تربیت را به علت ارتباط مؤثر آن با یادگیری افراد و کسب مهارت در مطالعه ها و ارائه راهبردها متذکر شده اند. انگیزش تحصیلی به رفتارهایی اطلاق می شود که منجر به یادگیری و پیشرفت می گردد (قاسمی، فیروزنیا، ۱۳۹۳). به عبارت دیگر، انگیزش پیشرفت تحصیلی، تمایل فراگیر است، به آنکه کاری را در قلمرو خاصی به خوبی انجام دهد و عملکردش را به طور خودجوش ارزیابی کند. غالب رفتارهایی که انگیزش تحصیلی را نشان می دهند عبارت اند از پافشاری بر انجام تکالیف دشوار، سخت کوشی یا کوشش در جهت یادگیری در حد تسلط و انتخاب تکالیفی که به تلاش نیاز دارد (یوسفی و همکاران، ۱۳۹۱).

بررسی انگیزش تحصیلی در محیط های آموزشی به یادگیری و پیشرفت تحصیلی افراد بسیار مرتبط است و عبارت است از گرایش همه جانبه به ارزیابی عملکرد خود به عالی ترین معیارها، تلاش برای موفقیت در عملکرد و برخورداری از لذاتی که با موفقیت در عملکرد همراه می باشد (رضایی، ۱۳۹۰). بر طبق نظریه ریو^۱ (۱۹۸۸) دانش آموزان دارای انگیزش تحصیلی^۲ بالا، تحرک لازم برای به اتمام رساندن موفق یک تکلیف و نیل به هدف با دستیابی به درجه معینی از شایستگی در کار خود را پیدا می کنند تا نهایتاً به موفقیت لازم در امر یادگیری و پیشرفت تحصیلی نائل گردند (ریو، ۱۹۸۸؛ ترجمه سید محمدی، ۱۳۹۰). همچنین پینتریچ (۱۹۹۹؛ به نقل از نیکوس و جورج^۳، ۲۰۰۵) یادگیری بر اساس خودتنظیمی را مطرح نمود که به عنوان فرآیندی فعال و ساختاری پردازشی تعریف می کند که با آن یادگیرنده اهداف فعالیت های یادگیری، شناخت و انگیزه خود را تنظیم و کنترل می کند. زیمرمن^۴ (۱۹۹۴) نیز راهبردهای خودتنظیمی را نوعی یادگیری می داند که در آن دانش آموزان به جای آنکه برای کسب مهارت و دانش به معلمان، والدین یا دیگر عوامل آموزشی تکیه کنند، شخصاً کوشش می کنند و

-
1. Reeve
 2. educational motivation
 3. Nikos & George
 4. Zimmerman

با انگیزه بالا به اهداف خود خواهند رسید. این موارد از ابتدایی‌ترین نظریه‌های مطرح شده در زمینه انگیزش تحصیلی برای رسیدن به موفقیت و پیشرفت تحصیلی بوده است.

انگیزش، نیرویی است که به رفتار انرژی و برای رسیدن به هدف جهت می‌دهد و یکی از مهم‌ترین مفاهیم روان‌شناختی است که در آموزش و تعلیم و تربیت کاربرد دارد. بررسی‌ها نشان می‌دهند که انگیزش یکی از عوامل اصلی بروز رفتار است و در تمام رفتارها؛ از جمله یادگیری، عملکرد، ادراک، دقت، یادآوری، فراموشی، تفکر، خلاقیت و هیجان اثر دارد. انگیزش به عنوان مجموعه عوامل تعریف شده‌ای است که انسان را به سوی فعالیت و هدف وامی‌دارد، آن را هدایت می‌کند و سبب تداوم آن می‌شود (پیتريچ، ۲۰۰۹). سازه انگیزش تحصیلی در مدرسه به رفتارهایی که به یادگیری و پیشرفت مربوط است، اطلاق می‌شود و بیشتر به آن بعدی از انگیزه مربوط می‌شود که انگیزش درونی (انجام یک فعالیت به دلیل ماهیت لذت‌بخش آن (نام دارد (دسی و رایان، ۲۰۱۳) وقتی در نظام آموزشی، مشکلاتی همچون افت تحصیلی رخ می‌دهد، از انگیزش یادگیرنده به عنوان یکی از علل مهم آن یاد می‌شود. انگیزش دانش‌آموزان باید به طور طبیعی با علاقه او به مشارکت در فرایند یادگیری سروکار داشته باشد؛ ولی به دلایل و اهداف زمینه‌ساز این درگیری یا عدم درگیرشان با فعالیت‌های آموزشی هم توجه دارد. هرچند ممکن است دانش‌آموزان به طور یکسان برای انجام یک تکلیف برانگیخته شوند؛ اما منبع انگیزش می‌تواند متفاوت باشد (تمنایی فر و همکاران، ۱۳۹۲)

تحقیقات روی اهداف پیشرفت بیان می‌کند که کیفیت انگیزش دانش‌آموز در کلاس به چگونگی تعریف موفقیت دانش‌آموز بستگی دارد. این نظریه همچنین می‌گوید که پیام‌های دریافتی در کلاس درس یا مدرسه میزانی برای موفقیت ایجاد می‌کند و از آن طرف، بر اهداف اتخاذ شده توسط دانش‌آموزان تأثیر می‌گذارد (یوسفی و همکاران، ۱۳۸۸). دانش‌آموزان خودکارآمد به ویژه هنگام مواجهه با مشکلات، بیشتر از افرادی که به قابلیت‌های خود تردید دارند از خود سخت‌کوشی و پشتکار نشان می‌دهند. اگر افراد بر یک موقعیت پیشرفت با ادراکات خودکارآمدی بالایی وارد شوند آن‌ها باور خواهند داشت که می‌توانند آنچه را که موقعیت پیشرفت مستلزم آن است را انجام دهند و این کار خود موجب تقویت شیوه‌های مطالعه و یادگیری فرد نیز خواهد شد (وین اشتاین^۱ و همکاران، ۲۰۱۰). نظریه شناختی اجتماعی پیشنهاد می‌کند که باورهایی در مورد شباهت موقعیت در کارها،

شایستگی آن‌ها و خوشایندی که در مورد نتایجی که با مشارکت در کارها حاصل شده، همه بر تمایل درگیر شدن در کارها اثر می‌گذارد (کوتزی، ۲۰۱۱).

پژوهش‌ها نشان داده‌اند، دانش‌آموزانی که انگیزش تحصیلی بالایی دارند، به احتمال بیشتری سطح بالاتری از پیشرفت تحصیلی را تجربه می‌کنند (تری پینر و همکاران، ۲۰۱۳). مدل سنتی انگیزش با نام فردریک تیلور^۱ و مکتب مدیریت علمی همراه است. تیلور هنر مدیریت را به عنوان ابزار شکل‌دهنده رابطه مدیران و کارگران ابتدا مورد توجه قرار داد و عامل انگیزش را صرفاً بر اساس مهارت بیشتر و تولید کارایی بیشتر دانسته است و تشویق و تنبیه را مورد توجه قرار داد. تیلور پاداش مادی را تنها محرک برای کارایی بیشتر دانست و معتقد بود یکی از جنبه‌های مهم کار این است که اطمینان حاصل شود انجام وظایف و تکالیف تکراری و ملال‌آور با بیشترین بازدهی خواهد بود.

اکثر راهبردهای بیرونی که برای افزایش انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان یا دانشجویان به کار می‌رود نشئت گرفته از نظریه تقویت است. اصل رایج بین تمام اشکال نظریه تقویت این است که رفتارهایی که به گونه‌ای خاص تقویت شوند ادامه پیدا می‌کنند. رفتارهایی که تنبیه شوند و یا نادیده گرفته شوند کاهش می‌یابند، بنابراین معلمانی که می‌خواهند رفتارهای معطوف به تکلیف را در دانش‌آموز افزایش دهند، باید ابتدا به شناسایی شاخص‌هایی که رفتارهای معطوف به تکلیف است بپردازند. سپس پاداش‌های خود را با آن رفتار متناسب کنند. رفتارهای که شاخص فعالیت نباشد، نادیده گرفته و یا در مواردی موجب تنبیه و مؤاخذه می‌شوند (یوسفی و همکاران، ۱۳۹۱).

مورای نظریه خود از رفتار را بر اساس مفهوم «نیاز» مطرح می‌کند. برخلاف رویکردهای شناختی، مفهوم نظر مورای بیشتر متأثر از مدل‌های بیولوژیکی بود تا فیزیکی. بر طبق نظر وی محیط می‌تواند نیاز را بروز دهد و می‌تواند موانعی در جهت بازداری از نیاز و رفتار مربوط به هدف ارائه دهد، پس آنچه در نظریه مورای اهمیت دارد محیط ادراک شده است که افراد بر اساس ادراکات خویش عمل می‌کنند. مورای به نیروی محرکی شخصیت و انگیزش اهمیت زیادی می‌دهد. مهم‌ترین نیروهای محرکی شخصیت از نظر او عبارت است از: نیازها، فشارها، نیروهای عاطفی، ارزش‌ها و عمل متقابل (عباس زاده و همکاران، ۱۳۸۷). از دیدگاه مک کله لند انگیزه پیشرفت وقتی در کار است که شخصی در فعالیت‌های خود معیار ممتازی را الگو قرار دهد و یا در پی موفقیت باشد. وی نیاز به موفقیت را

یکی از شاخص‌های عمده پیشرفت و توسعه معرفی می‌کند. منظور مک کله‌اند از نیاز به موفقیت که تمایل به انجام کار بهتر و سریع‌تر با زحمت کمتر و بازده بیشتر است. نیاز به موفقیت و پیشرفت آرزوها، تمایل افراد برای دسترسی به اهداف و نشان داده شایستگی، تسلط و اقتدار آن‌ها را منعکس می‌کند. افرادی که نیاز برای پیشرفت آن‌ها بالاست تمام تلاش‌هایشان را جهت تسریع انجام کار مصرف می‌کنند. نیاز برای پیوستگی معادل نیاز به عشق را توصیف می‌کنند (مک آینرنی^۱، روچه^۲، مارش^۳، ۲۰۱۳).

به اعتقاد استپیک^۴ (۲۰۱۴) بحث در مورد انگیزه‌ها، بدون توجه به هدف‌ها دشوار است. میهر^۵ (۱۹۹۵) هدف‌ها را به‌عنوان مقاصد شناختی که در موقعیت پیشرفت وجود دارند، تعریف کرده است. در سال‌های اخیر، نظریه‌های شناختی بر نقش هدف‌ها در انگیزش پیشرفت تأکید ویژه‌ای نموده‌اند. به اعتقاد کوپنگتون^۶ (۲۰۱۴) خود ارزشی، به ارزیابی افراد از ارزش خودشان اشاره می‌کند و مشابه مفاهیم عزت نفس و حرمت نفس است. مفروضه‌های بنیادی نظریه خود ارزشی این است که افراد به‌طور طبیعی برای حفظ ارزش خود سعی و تلاش می‌کنند. نظریه ارزش خود، از طرفی بر چگونگی به وجود آمدن آن و از طرفی بر تأثیری که انگیزش و در نتیجه، عملکرد و موفقیت و شکست می‌گذارد مبتنی است. نظریه ارزش خود، یکی از انگیزه‌های مؤثر در فعالیت‌های تحصیلی را نگهداری یا افزایش ارزش خویش می‌داند (عبدخدائی و همکاران، ۱۳۸۷).

از میان نظریه‌های شناختی، نظریه‌هایی که چگونگی تفکر افراد درباره علت‌های موفقیت و شکست‌شان را به‌عنوان تعیین‌کننده‌های اصلی انگیزش به حساب می‌آورند، به نام نظریه‌های اسنادی معروف می‌باشند. درواقع نظریه اسناد ازجمله نظریه‌هایی است که از طریق دیدگاه روان‌شناختی به تبیین و تشریح ادراک افراد از علل وقایع می‌پردازد (طاهری و فیاضی، ۱۳۹۰)؛ به عبارت دیگر اسناد به ادراک یک فرد از علل رفتار خود و یا رفتار افراد اشاره دارد. در حوزه تحصیلی، دانش‌آموزی که در آزمون موفق می‌شود یا شکست می‌خورد، در علت‌یابی این موفقیت یا شکست، چه عامل یا پدیده‌ای

-
1. Mcinerney
 2. Roche
 3. Marsh
 4. Stipek
 5. Maehher
 6. Covington

را تعیین‌کننده و مسئول می‌داند؟ بنابراین، اسناد، به علت ادراک‌شده یک پی‌آمد اطلاق می‌شود و عبارت است از توضیح فرد در مورد علت یک پدیده یا علت پی‌آمدهای گوناگون (عبدخدائی و همکاران، ۱۳۸۷). درواقع انسان به‌منظور فهم دنیای اطراف خود به استنباط روابط علی میان وقایع، رفتارها و پیامدها می‌پردازد (طاهری و فیاضی، ۱۳۹۰). میل تایدو^۱ و سونای^۲ (۲۰۱۳)، انگیزش درونی را انگیزشی که از عواملی، همچون علاقه یا کنجکاوی سرچشمه بگیرد نامیده‌اند. بنا به تعریف ریان^۳ و دسی^۴ (۲۰۰۰)، انگیزش درونی تمایل ذاتی برای جستجو و تسخیر چالش‌ها به‌عنوان اهداف فردی و علائق شخصی است؛ و بر اساس تعریف فرچایلد^۵ و همکاران (۲۰۰۵)؛ به نقل از عبدخدائی و همکاران، (۱۳۸۷)، انگیزش درونی، تحریک شدن و تعقیب کردن یک فعالیت صرفاً به دلیلی لذت و رضایی که از خود آن فعالیت برمی‌خیزد، است. انگیزه درونی از عوامل کلیدی انگیزه تحصیلی به شمار می‌رود (عبدخدائی و همکاران، ۱۳۸۷). دیدگاه زمینه‌ای که از دیدگاه‌های تعاملی در روان‌شناسی است بر تعامل پیچیده بین فرد و محیط زندگی در شکل‌گیری رفتار تأکید دارد. در این دیدگاه اظهارنظر در مورد رفتار فرد تنها باید احتمالی باشد. این بدان معنی است که اگر بتوانیم چهار عامل عمده در رشد شناختی یعنی موقعیت فیزیکی (برای مثال خانه یا مدرسه) محیط اجتماعی، خصوصیات فردی و زمان را به‌طور دقیق شناسایی نماییم، با احتمال بیشتری می‌توانیم ویژگی‌های رفتاری را پیش‌بینی کنیم. عوامل به‌گونه‌ای بسیار پیچیده با یکدیگر الگوی تعاملی پویایی را ترسیم می‌کنند که تعیین‌کننده رشد شناختی فرد و رفتار او می‌باشند. لرنر این عوامل را شامل ویژگی‌ها و صفات فردی، خانواده، مدرسه، همسالان، محله، جامعه و محیط‌های طبیعی و فرهنگ می‌داند. پس بر اساس دیدگاه زمینه‌ای، انگیزش تحصیلی دانش‌آموز که یک صفت شناختی است و از طریق مجموعه‌ای از عوامل که باهم در تعامل می‌باشند، تعیین و متحول می‌شود (کاوسیان و همکاران، ۱۳۹۲). سیدریدیس، مورگان، بوتساس، پادلیدو و فاجس (۲۰۰۶) در پژوهشی انگیزشی، فراشناخت و آسیب‌شناسی روانی را به‌عنوان پیش‌بینی‌کننده‌ی ناتوانی‌های یادگیری بررسی کردند. نتایج به‌دست‌آمده از این پژوهش نشان داد که سطح انگیزش (مثلاً خودکارآمدی، نیروی انگیزشی، اجتناب از انجام وظیفه، تعهد به هدف یا ادراک از

-
1. Miltiadou
 2. Savenye
 3. Ryan
 4. Deci
 5. Fairchild

خود) در طبقه‌بندی دانش آموزان با ناتوانی‌های یادگیری بسیار دقیق است. همچنین نتایج نشان داد که فراشناخت و آسیب‌شناسی روانی نیز پیش‌بینی‌کننده‌های قدرتمندی برای ناتوانی یادگیری هستند. این پژوهش باهدف بررسی نظریه‌های انگیزش تحصیلی و عوامل مرتبط با مهارت در مطالعه انجام شده است.

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر از نوع مروری می‌باشد. در پژوهش‌های مروری، خلاصه‌ای از پیشینه و چهارچوب نظری موجود در حوزه مورد مطالعه را به همراه نتیجه‌گیری پژوهشگر ارائه می‌دهند به‌صورتی که نتیجه‌گیری پژوهشگر بتواند در جهت گسترش پژوهش‌های آتی در حوزه مورد مطالعه مورد استفاده قرار گیرد.

یافته‌ها

انگیزش تحصیلی با آگاهی و اطلاع داشتن از ویژگی‌های خودهمبستگی قوی دارد. چون داشتن انگیزه تحصیلی موجب آغاز و ادامه فعالیت می‌شود و یادگیری را بهبود می‌بخشد و سنگ زیربنای موفقیت تحصیلی تلقی می‌شود. در حقیقت، داشتن انگیزه موجب می‌شود که دانش آموزان مطالب را بهتر و آسان‌تر یاد بگیرند و تلاش‌های آنان بازدهی بیشتری داشته باشد. دانش‌آموزانی که به منابع درونی کنترل عقیده دارند، نسبت به دانش‌آموزانی دارند که به منابع بیرونی؛ یعنی قدرت دیگران عقیده دارند و همچنین، دانش‌آموزانی که نمی‌دانند چه چیزی مسئول موفقیت یا شکست آن‌هاست، عملکرد بهتری دارند. کنترل ادراکی بر روی عملکرد تحصیلی از راه درگیری فعالانه در یادگیری افزایش یا کاهش می‌یابد. این باور که پیامدها وابسته به رفتار است، افراد را به سمت انتظارات بیشتر برای موفق شدن سوق می‌دهد و آن‌ها را به تلاش و کوشش و پایداری بیشتری هدایت می‌کند. هنگامی که افراد ارتباط بین رفتار خود و پیامدها را ادراک نمی‌کنند، ممکن است از خود انفعال، اضطراب، درگیر نشدن و پیشرفت کمتری نشان دهند (مارتین، ۲۰۱۰). عامل دیگر در پیشرفت تحصیلی اشتیاق به مدرسه می‌باشد. اشتیاق دانش‌آموز به مدرسه متغیر مهم دیگری است که برای یادگیری حیاتی است تا جایی که از آن به‌عنوان یک منادی مهم یادگیری یاد می‌شود (زینگیر، ۲۰۰۸). دانش‌آموزانی که انگیزش تحصیلی بالایی دارند اشتیاق و علاقه‌ی بیشتری به تحصیل نشان داده، جهت رسیدن به اهداف

تحصیلی خود تلاش بیش‌تری می‌کنند برعکس دانش آموزان دارای انگیزش تحصیلی پایین علاقه‌ی چندانی به تحصیل نشان نداده، تلاش کم‌تری هم برای رسیدن به اهداف تحصیلی می‌کنند. می‌توان چنین استنباط کرد که اشتیاق موجب برقراری روابط مثبت با همسالان، مقبولیت بین همسالان، سازگاری اجتماعی، کارآمدی در حل مسئله و مدیریت هیجانی می‌شود. (وانگ، ۲۰۱۱). همچنین در زمینه روش‌های مطالعه باید گفت خواندن، یک فعالیت پیچیده است و هیچ روشی به‌تنهایی نمی‌تواند پاسخ‌گوی همه موقعیت‌ها باشد. شیوه مطالعه را باید از طریق انتخاب و ترکیب فنون و روش‌های مختلف خواندن برگزید. مطالعه تمرینش به دو عامل: علاقه نسبت به مطالب خواندنی و کاربرد ماهرانه فنون مطالعه بستگی دارد. علاقه نسبت به مطلب خواندنی سبب می‌شود تا شخص به مطالعه بیشتر بپردازد و مطالعه بیشتر، منجر به بهتر شدن کاربرد فنون مطالعه می‌گردد (سیف، ۱۳۸۰). همچنین واینر^۱ در موقعیت‌های مرتبط با امور تحصیلی، چهار علت را بیش از علل دیگر مسئول موفقیت و شکست‌ها می‌داند. این چهار علت عبارت‌اند از: توانایی، تلاش، سطح دشواری تکلیف و شانس. سپس این عوامل را در سه بعد، طبقه‌بندی می‌کند:

(۱) هسته علیت: در اولین بعد، عوامل علی بر اساس دورنی و بیرونی بودن تقسیم‌بندی می‌شوند. وی این بعد را هسته علیت نامید. عواملی همانند تلاش و توانایی که از درون فرد نشئت‌گرفته‌اند، دارای هسته درونی‌اند و عواملی چون سطح دشواری تکلیف و شانس که از بیرون نشئت‌گرفته‌اند دارای هسته علیت بیرونی‌اند (طاهری و فیاضی، ۱۳۹۰).

(۲) ثبات-عدم ثبات: در بعد دوم، عناصر علی بر اساس میزان دوام در طول زمان مقوله‌بندی می‌شوند. بعضی عوامل همچون توانایی و سطح دشواری تکلیف، دارای دوام نسبی می‌باشند، درحالی‌که بعضی عوامل دیگر همچون تلاش و شانس در معرض تغییرات لحظه‌به‌لحظه می‌باشند. واینر این بعد را ثبات-عدم ثبات نامید (طاهری و فیاضی، ۱۳۹۰).

(۳) قابلیت کنترل: بعد سوم عوامل علی را اولین بار روزن بام^۲ مطرح کرد. به اعتقاد وی عواملی همچون خستگی، خلق‌وخوی و تلاش، درونی و بی‌ثبات‌اند، اما درعین‌حال دو عامل خستگی و خلق‌وخوی قابل‌کنترل ارادی نیستند، درحالی‌که تلاش را می‌توان به‌طور ارادی کنترل نمود (محمد، ۱۳۸۵؛ به نقل از طاهری و فیاضی، ۱۳۹۰). بدین معنا که یک فرد می‌تواند میزان تلاش خود را به‌طور

ارادی کاهش و یا افزایش دهد، اما این موضوع در مورد خستگی و خلق و خوی صدق نمی‌کند. این نکته‌ای که روزن بام مطرح نمود، منجر به شناسایی بعد سوم اسناد شد که توسط واینر تحت عنوان قابلیت کنترل نام‌گذاری شد (ویسانی و همکاران، ۱۳۹۱)

عوامل مؤثر بر انگیزش تحصیلی را می‌توان در دو طبقه کلی جای داد: یکی عوامل فردی و دیگری عوامل محیطی است که دربرگیرنده خانواده، مدرسه، دانشگاه و محیط اجتماعی می‌باشند و این عوامل بر بهبود مهارت‌های مطالعه افراد و یادگیری بهتر آن‌ها نیز تأثیرگذار می‌باشد (طاهری و فیاضی، ۱۳۹۰).

برای آنکه مطلبی کاملاً آموخته‌شده و با اندوخته‌های پیشین پیوند یابد، باید حتماً معنا داشته باشد، در این صورت احتمال یادگیری بیشتر و احتمال فراموشی کمتر خواهد شد؛ بنابراین قبل از اینکه خود را محکوم کنیم به نداشتن استعداد درس خواندن، کمبود هوش، کمبود علاقه، عدم توانایی و سایر موارد، بهتر است نواقص خود را در مطالعه کردن بیابیم و به اصطلاح آن‌ها پردازیم. در این صورت به لذت درس خواندن پی خواهیم برد. اولین قدم در این راستا آن است با اندکی تفکر عادت‌های نامطلوب خود را در مطالعه یافته و سپس عادت‌های مطلوب جایگزین آن گردد. (جلیلی، ۱۳۹۳). برای تغییر عادات مطالعه مراحل زیر را باید در نظر گرفت (اتکینسون، ۱۳۹۲)

(۱) علاقه

(۲) ارزیابی، ارزیابی اطلاعات به دست آمده با در نظر گرفتن موقعیت‌های موجود.

(۳) مطابقت خود با فکر تازه و اختیار و قبول آن

بحث و نتیجه‌گیری

انگیزش تحصیلی به فرایندهایی گفته می‌شود که فعالیت‌ها را تحریک می‌کند و هدف آن دستیابی به دستاوردهای تحصیلی خاص است. بر مبنای نظریه خود تعیین گری،^۱ انگیزش تحصیلی، سه بعد انگیزش درونی^۲، انگیزش بیرونی^۳ و بی‌انگیزگی^۴ را شامل می‌شود. انگیزش درونی به انگیزه‌ای اشاره دارد که افراد را به صورت خودجوش و درونی به انجام تکلیفی خاص به حرکت وامی‌دارد و جدا از

-
1. Self-determination Theory
 2. Intrinsic Motivation
 3. Extrinsic Motivation
 4. Amotivation

پاداش‌های بیرونی، انجام خود تکلیف برای فرد ارزشمند و رضایت‌بخش است. انگیزش بیرونی به انگیزه‌ای اشاره دارد که افراد را به خاطر پاداش‌ها و تقویت‌های بیرونی مجبور به انجام یک تکلیف می‌کند. بی‌انگیزگی حالتی است که در آن فرد بین رفتار و نتایج آن ارتباطی نمی‌یابد و علت رفتار را نیروهای خارج از کنترل خود می‌پندارد. انگیزش تحصیلی یکی از ملزومات یادگیری به حساب می‌آید و عاملی است که به رفتار شدت و جهت می‌بخشد و در حفظ تداوم آن به یادگیرنده کمک می‌کند، به او انرژی می‌دهد و فعالیت‌های او را هدایت می‌کند (راهال و زینوبا^۱، ۲۰۱۶). از این رو انگیزش تحصیلی بر مبنای نظریه‌های ارائه‌شده و چهارچوب ادبیات و تعاریف آن، می‌تواند با استفاده از مدل‌ها و روش‌های هدفمندی که بر پایه این نظریات طراحی می‌شوند به مطالعه بهتر بر مبنای انگیزش تحصیلی افراد و تقویت مهارت‌های مطالعه را با استفاده از نظریه‌هایی چون خودکارآمدی، نظریه تقویت، اسنادی و خودتنظیمی ارتقاء بخشند.

همچنین از سویی دیگر بر اساس بررسی پیشینه پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه استفاده از پایه‌های نظری برای ارائه راهکار در تقویت مهارت‌های مطالعه نشان داد این پژوهش‌ها اگرچه پژوهشگران از اهمیت موضوع آگاه هستند، اما همچنان بسیار محدود بوده است و این در حالی است که بررسی این موضوع می‌تواند به پیشرفت تحصیلی فراگیران منجر شود. همچنین به دلیل مرتبط بودن میزان انگیزه تحصیلی افراد با مطالعه و پیشرفت آن‌ها، می‌توان گفت با تقویت عوامل مؤثر بر انگیزش افراد جهت‌گیری آن‌ها به سوی هدف و کنترل عوامل محیطی، خانوادگی، فردی و مدرسه سوق پیدا خواهد کرد؛ اما از آنجایی که در همه پژوهش‌ها محدودیت‌هایی وجود دارد که برای گسترش پژوهش‌ها می‌توان به آن‌ها توجه کرد، در این پژوهش نیز از محدودیت‌های پژوهش می‌توان به روش آنکه از نوع مروری بوده و به دلیل کمی نبودن روش، کار بر روی نمونه و جامعه آماری انجام‌نشده است و یا بر سایر عوامل مرتبط با تقویت انگیزش تحصیلی از نظر فراگیران پرداخته نشده است و پیشنهاد می‌شود سایر پژوهشگران ضمن ارائه راهکارهای بیشتر برای تقویت انگیزش و مهارت‌های مطالعه به بررسی این موضوع به روش کمی بر روی جوامع مختلف بپردازند.

منابع

- ۱- اتکینسون (۱۳۹۲). زمینه روانشناسی هیلگارد، ترجمه دکتر فرهاد میثمی، تهران: انتشارات ارجمند تحصیلی دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان. مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، ۹(۱)، ۷۹-۸۵
- ۲- تمنایی فر، محمدرضا؛ بشری، مژگان؛ دشتبان زاده، سمیه (۱۳۹۲) رابطه سبک اسناد و انگیزش پیشرفت با پیشرفت تحصیلی. مجله علوم رفتاری. ۵(۴)، ۲۵-۴۱
- ۳- جلیلی، لیلی (۱۳۹۳). خلاصه روان‌شناسی عمومی، چاپ اول، تهران: انتشارات جوانه رشد.
- ۴- ریو، جان. مارشال. (۱۹۸۸). انگیزش و هیجان. ترجمه یحیی سید محمدی. (۱۳۹۰). تهران: نشر ویرایش.
- ۵- رضایی، عیسی. (۱۳۹۰). تأثیر استفاده از کارپوشه الکترونیکی بر نگرش، انگیزش پیشرفت و پیشرفت تحصیلی دانشجویان مرکز آموزش الکترونیکی خواجه‌نصیرالدین طوسی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی.
- ۶- سیف علی‌اکبر. (۱۳۸۰). روش‌های یادگیری و مطالعه. چاپ سوم. تهران: دوران.
- ۷- طاهری، عبدالمحمد. فیاضی، مهسا. (۱۳۹۰). علل افت انگیزش تحصیلی از دید دانش‌آموزان با توجه به جنسیت و زمینه خانوادگی آن‌ها. نشریه علمی- پژوهشی فناوری آموزش. سال پنجم. جلد ۵. شماره ۴ (۲). ۲۸۷-۲۹۸.
- ۸- عبدخدائی، محمد سعید؛ سیف، علی‌اکبر؛ کریمی، یوسف و بیابان‌گرد، اسماعیل. (۱۳۸۷). تدوین و هنجاریابی مقیاس انگیزش تحصیلی و بررسی اثربخشی آموزش مهارت‌های مطالعه بر افزایش یادگیری. فصلنامه مطالعات تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه فردوسی. سال ۹، شماره ۱. ۵-۲۰.
- ۹- کامکاری، کامبیز؛ کیومرثی، فیروز و شکرزاده، شهره (۱۳۸۹). بررسی اثرات فشارآورهای تحصیلی بر انگیزش تحصیلی دانشجویان دانشگاه‌های استان تهران. نوآوری‌های مدیریت آموزشی (اندیشه‌های تازه در علوم تربیتی). ۵(۳)، ۱۳۱-۱۱۹
- ۱۰- کاوسیان، جواد؛ فراهانی، محمد نقی؛ کدیور، پروین؛ هومن، عباس؛ شهرآرای، مهرناز و فرزاد، ولی‌الله. (۱۳۹۲). مطالعه عوامل مؤثر بر انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان دختر و پسر

- دبیرستان‌های سراسر کشور. فصلنامه علمی - پژوهشی روانشناسی دانشگاه تبریز. سال دوم. شماره ۸. (۴). ۸۵-۱۰۸.
- ۱۱- ویسانی، مختار؛ غلامعلی لواسانی، مسعود و اژه‌ای، جواد. (۱۳۹۱). نقش اهداف پیشرفت، انگیزش تحصیلی و راهبردهای یادگیری بر اضطراب آمار: آزمون مدل علی. مجله روانشناسی، ۱۶(۲): ۱۶۰-۱۴۲.
- ۱۲- یوسفی، علی‌رضا؛ قاسمی، غلام‌رضا و فیروزنیا، سمانه. (۱۳۹۱). ارتباط انگیزش تحصیلی با پیشرفت تحصیلی دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان. مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی. ۹(۱): ۷۹-۸۵.
- ۱۳- یوسفی، علیرضا؛ قاسمی، غلامرضا و فیروزنیا، سمانه (۱۳۸۸). ارتباط انگیزش تحصیلی با پیشرفت
- 14- McInerney DM, Roche LA, McInerney V, Marsh WH. (2013). Cultural perspectives on school motivation: the relevance and application of goal theory. *American Educational Research Journal* 34(1): 207-36 .
- 15- Pintrich, P. R. & De Groot, E. V. (1990). Motivational and self-regulated learning components of classroom academic performance. *Journal of educational psychology*, 82(1), 33 .
- 16- Rahal, A. & Zainuba, M. (2016). Improving students' performance in quantitative courses: the case of academic motivation and predictive analytics. *The International Journal of Management Education*, 14(1): 8-17 .
- 17- Schunk, D. H. (1991). Self-efficacy and academic motivation. *Educational psychologist*, 26(3-4), 207-231 .
- 18- Weinstein, N. & Ryan, R. M. (2010). When helping helps: Autonomous motivation for prosocial behavior and its influence on well-being for the helper and recipient. *Journal of personality and social psychology*, 98(2), 222 .
- 19- Zimmerman, B. J. (1994). Dimensions of academic self-regulation: A conceptual framework for education. *Self-regulation of learning and performance: Issues and educational applications*, 1, 33-21 .
- 20- Pintrich, P. R. & DeGroot, E. V. (2009). Motivational and self-regulated learning components of classroom academic performance. In M. L. Maehr,

- & P. R. Pintrich (Eds.), *Advances in motivation and achievement*, Greenwich, JAI Press. 371-401 .
- 21- Deci, E. L. & Ryan, R. M. & Guay, F. (2013). *Self –determination theory and actualization of human potential*. In D. McInerney, H, Marsh, R. Craven & F. Guay (Eds), *Theory driving research:New wave perspectives on self-processes and*
 - 22- Kusurkar, R. A. Ten Cate, T. J. Vos, C. M. R. Westers, P. & Croiset, G. (2013). How motivation affects academic performance: A structural equation modeling analysis. *Advances in Health Science Education*, 18, 57-69 .
 - 23- Lynch, A. D. Lerner, R. M. & Leventhal, T. (2013). Adolescent academic achievement and school engagement: An examination of the role of school wide peer culture. *Journal of Young Adolescence*, 42, 6-12 .
 - 24- Ryan, R. M. Stiller, J. & Lynch, J. H. (1994). Representations of relationships to teachers, parents, and friends as predictors of academic motivation and self-esteem. *Journal of Early Adolescence*, 14, 226-249 .
 - 25- Coetzee, C. R. (2011). *The relationship between student s academic self-concept, motivation and academic achievement at the university of the Free State*. MA thesis, University of South Africa .
 - 26- Tre Painer, S. Fernet, C. & Austin, S. (2013). The moderating role of autonomous motivation in the Job demands-strain relation: A two sample study. *Motivation Emotion*, 37, 93-105 .
 - 27- Reid WA, Duvall E, Evans P. Can we influence medical students' approaches to learning? *Med Teach*2005; 27(5): 401-7 .
 - 28- Martin, A. J. (2010). The student motivation scale: A tool for measuring and enhancing motivation. *Australian Journal of Guidance and Counselling*, 11, 1-20 .
 - 29- Wang, M. T. Willett, J. B. & Eccles, J. S. (2011). The assessment of school engagement: Examining dimensionality and measurement invariance by gender and race/ethnicity. *Journal of School Psychology*, 49, 465-480 .
 - 30- Zyngier, D. (2008). Conceptualizing student engagement: Doing education notdoing time. *Teaching and Teacher Education*, 24, 1765-1776 .